

بخش دوم

جهان پر لڑکر، روز حساب بخوشتر،

روز کیف و پلاشتر

۸- زندگی با پسینہ

۹- نتایج اعمال

۱۰- بخش اعمال

زندگی بازپسین

پدیدهٔ حیات

شگفت‌انگیزترین فرآوردهٔ دستگاه آفرینش پدیدهٔ حیات است. جاندار به معنی وسیع آن شامل گیاه هم می‌شود، چون گیاه نیز تغذیه، تنفس و تولیدمثل می‌کند و زندگی و مرگ دارد. یعنی از همهٔ خواص جانوران جز احساس و شعور بهره‌مند است.

تنوع حیات

هر موجود زنده به تنهایی عمری محدود دارد، از چند لحظه تا بیش از هزار سال، اما به هر حال عمری است محدود و سرانجام آن فرسودگی و مرگ است. برای گیاهان معمولاً فصل بهار، فصل از سرگرفتن زندگی به دنبال مرگ یا سرسبزی و نشاط به دنبال افسردگی است. بسیاری از گیاهان در فصل بهار از زمین بیرون می‌آیند و برگ و گل و بر می‌دهند. درختان نیز که برخی از آنها صدها سال عمر می‌کنند همه ساله در بهار برگ و بر تازه می‌آورند و اینها همه نشانه‌های رحمت خدا و نعمت او بر ماست.

زندگی در جهانی دیگر

این همه دگرگونی و تنوع که در مسئلهٔ حیات وجود دارد، بر ما روشن می‌کند که داستان مرگ و زندگی جلوه‌های گوناگون دارد. و هرگز نباید تصور کنیم که زندگی فقط یک نوع یا تنها یک مرحله است. یک موجود زنده ممکن است بارها بمیرد و باز زنده شود و در زندگی جدید مرحله‌ای تازه از تکامل را بگذراند. بنابراین اگر خدای هستی بخش به ما نوید می‌دهد که زندگی ما بار دیگر تجدید خواهد شد نباید تعجب کنیم. آفریدگار انسان‌ها البته قدرت دارد که بار دیگر مردم را زنده کند و برای آنها رستاخیزی بزرگ فراهم سازد.

مراحل پیدایش انسان

در تعالیم دینی، برای بیان رستاخیز، از تجدید حیات طبیعت گفتگو شده است تا ما را به حیات مجدد انسان‌ها آشنا کند. در اینجا برای روشن کردن مسئله معاد علاوه بر مسئله تجدید حیات طبیعت یک نمونه دیگر نیز می‌توان ذکر کرد. این نمونه، مراحل پیدایش انسان است.

هر انسان مراحلی را گذرانیده، تا به صورت شخصی رشید و کامل درآمده است. ماده نخستین که در ساختن او به کار رفته خاک است، زیرا نطفه مرد و زن در اثر تغذیه به وجود می‌آید و خوراک آدمی از مواد حیوانی و گیاهی است که مستقیم یا غیرمستقیم از خاک به وجود می‌آیند. پس ابتدا همه خاک بودیم و کم‌کم خاک به صورت میوه و گیاه و گوشت و شیر حیوانات درآمد. پدر و مادر از آن تغذیه کردند و نطفه در آنان پیدا شد. و با آمیختن نطفه زن و مرد جنین آدمی تشکیل شد و کم‌کم رشد کرد. نخست چون لخته‌ای خون و بعد همچون قطعه‌ای گوشت نرم شد. رفته رفته استخوان در آن روید و اندام‌ها پیدا شدند.

در حدود نه ماه، که گذشت به صورت انسانی تمام عیار درآمد و آماده شد تا زندگی خود را بیرون از رحم مادر آغاز کند. وقتی بدین جهان چشم گشود طفلی کوچک و ناتوان بود.

پس از آن، به ترتیب، دوران کودکی، نوجوانی، جوانی و دوران کمال را گذرانید. بعضی عمر طولانی کردند و به سنین پیری رسیدند و جمعی معدود، آن چنان پیر و فرتوت شدند که قوای خود را از دست دادند. دید چشم، شنوایی گوش و توان زانوهایشان کم شد، و حتی نیروی فکر و تعقل را نیز از دست دادند و آنچه را که می‌دانستند، فراموش کردند.

این سیر زندگی یک انسان و دوران‌هایی که گذرانده به ما نشان می‌دهد که معاد چیزی جز یک مرحله دیگر از آفرینش انسان نیست و خدایی که از سلولی ناچیز انسانی نیرومند آفریده، می‌تواند بار دیگر هم انسان‌ها را زنده و برای گذراندن یک مرحله دیگر از حیات آماده کند.

بیندیشید و پاسخ دهید.

- ۱- از رستاخیز بهار چه نمونه‌های جالبی سراغ دارید؟ در کلاس برای دوستانتان تعریف کنید.
- ۲- از تنوع مسئله حیات در طبیعت چه درسی می‌گیریم؟
- ۳- از مراحل سیر زندگی و رشد انسان چه می‌آموزیم؟

نتایج اعمال

ثبت اعمال

پیامبران مکرر به مردم یادآوری کرده‌اند که هیچ عملی از بین نخواهد رفت و دستگاه ضبط جهان آفرینش کارهای آدمی را ثبت خواهد کرد. ما خود می‌بینیم چگونه نوار ضبط صوت یا صفحه گرامافون صداها و نغمه‌ها را ضبط می‌کند و نوار فیلم یک صحنه را در خود نگاه می‌دارد و عکس و اسلاید منظره‌ای را که احیاناً نابود یا ناپدید شده است، بار دیگر در جلو چشم ما نمودار می‌سازد. اینها برای ما روشن می‌کند که ممکن است تمام گفته‌ها و کرده‌های ما باقی بماند. البته لازم نیست که ضبط کارهای ما حتماً به وسیله نوار یا فیلم یا عکس و اسلاید باشد، چه بسا به صورتی بسیار دقیق‌تر صحنه‌های عمل ما در متن جهان ضبط گردد.

ضبط تاریخ

تاریخ نیز آثار گذشتگان را ثبت می‌کند و لااقل بخشی از خدمات یا ستمگری‌های افراد یا ملت‌ها را در خود نگاه می‌دارد و ما می‌توانیم پس از سالیان دراز آثار آنها را در فرهنگ، تمدن، طرز فکر یا نظام اجتماعی، در کتاب‌ها یا سنگ نبشته‌ها ملاحظه کنیم. البته، تاریخ همیشه خبرگزار راستین و بی‌نظری نیست. چه بسیار که وقایع‌نگاران حقیقت را به گونه‌ای دیگر جلوه داده‌اند و برای خوشامدگویی یا ترس و ملاحظه، ستمگری‌ها را عدالت و خودخواهی‌ها و تجاوزات را انسان دوستی معرفی کرده‌اند. زور و غضب را امنیت و آرامش گفته‌اند، و کاخ‌های اشرافی و زندگی تجملی گروهی انگشت شمار را به حساب رفاه عمومی گذارده‌اند. از طرفی، چه بسیار افراد گمنامی که منشأ خدمات ارزنده یا دارای فضایل ارزشمند انسانی بوده‌اند، اما از آنجا که تاریخ‌نویسان از آنان ترس یا امید منفعتی نداشته‌اند شرح حالشان را ثبت نکرده‌اند و این افراد با ارزش همچنان گمنام مانده و در زوایای تاریک تاریخ فراموش شده‌اند.

اما کتاب روشنگر خدا،

... هیچ چیز را فروگذار نمی‌کند و از کوچک‌ترین تجاوز یا خدمت در نمی‌گذرد. فروغ ایمانی که در دل یک انسان پاک می‌تابد، دست مه‌ری که نیمه‌شب تاریک برای نوازش یک بیمار مستمند به حرکت می‌آید، تلاش ثمربخشی که یک انسان برای نجات هموعان خود می‌کند، دود آهی که از سینه یک محروم تیره‌بخت بیرون می‌آید و ... همه و همه می‌مانند، بی‌آنکه در حساب اشتباهی رخ دهد، یا حقی از کسی ضایع گردد، یا خیانت‌ها به دروغ خدمت خوانده شود، یا زورمندان تجاوزگر، اصلاح‌گران انسان دوست معرفی گردند.

آری، تمام آثار عملی ما بی‌هیچ اشتباه و فراموشی ثبت می‌شود.

بازده دقیق عمل

در این زندگی نمونه‌های فراوانی از بازده عمل داریم :

تلاش یک محصل باعث پیروزی و پیشرفت او در آینده می‌شود.

پشتکار یک کارآموز حرفه‌ای او را صنعتگری ماهر بار می‌آورد.

راستگویی و درستکاری یک کاسب مشتری فراوان برای او جمع می‌کند.

ایمان و فداکاری یک انسان به او محبوبیت و نفوذ می‌دهد.

ظلم و خیانت، دل را افسرده و نگران می‌سازد.

همه اینها نمونه‌هایی از اثر عمل است، اما در سطحی محدود.

در جهان دیگر، رفتار و خوی آدمی با روشنی جلوه می‌کند و تمام وجود و زندگی انسان نمایشگر ایمان و شایسته‌کاری، یا فساد و ستمگری‌هایش می‌گردد.

در آن سرا فریب و دورویی وجود ندارد، بی‌حسابی و ستم در کار نیست، حق به اهل حق می‌رسد، نیکوکاران پاداش می‌بینند و بدکاران مجازات می‌شوند.

بدکاران و شایسته‌کاران برابر نیستند

این عدالت خداست که باید صف‌ها از یکدیگر جدا گردد و بین خوب و بد امتیاز برقرار شود.

اگر وضع جامعه‌ای آن‌چنان باشد که منصب و مقام براساس شایستگی به افراد واگذار نشود، بلکه هرکس زد و بند بیشتری داشته، کارهای بزرگ را در دست گیرد بی‌آنکه برای آن کار مهارت کافی داشته باشد، افراد ارزنده و شایسته محروم خواهند ماند.

جامعه‌ای که در آن افرادی می‌توانند برای خود قدرت و احترام کسب کنند که در حقیقت ارزش و فضیلتی ندارند، بلکه با فریب‌کاری و اعمال زور، قدرت به‌دست می‌آورند. جامعه‌ای که در آن افرادی ثروت سرشار به چنگ می‌آورند، بی‌آنکه تلاشی مفید کرده یا زحمتی کشیده باشند، بلکه دیگران زحمت کشیده‌اند و استفاده به جیب آنان سرازیر شده است. جامعه‌ای که در آن از افراد کاردان و خدمتگزار قدرشناسی نشود، این‌گونه افراد محروم و گمنام بمانند و درآمد و موقعیت کمتری داشته باشند، اما جمعی ناشایست که فقط حيله‌بازند یا با بردگی و چاکری خو گرفته‌اند درآمد و موقعیتی به‌دست آورند. محیطی که در آن خائن خدمتگزار معرفی شود و افراد صالح و دلسوز و فداکار خائن معرفی گردند.

چنین جامعه و چنین محیطی غرق در بی‌عدالتی است. در چنین محیطی بدکاران رشد می‌کنند و ناروایی، فساد، هرزگی، چابلوسی و بردگی روتق پیدا می‌کند، و در برابر، ایمان و پاکی و خدمت و گذشت از بین می‌رود. ادیان آسمانی این چنین نظامی را به شدت محکوم می‌کنند؛ ادیان الهی می‌خواهند که روابط مردم براساس عدالت برقرار شود، و در جامعه حق حکومت کند، و امتیازها براساس ارزش‌های واقعی باشد، نه ریاکاری و فریب. باید بدکاران از شایسته‌کاران جدا گردند و تبهکاران از پرهیزکاران کنار افتند، و هریک به پاداش یا کیفر عادلانه کارهای خود برسند.

بیندیشید و پاسخ دهید.

- ۱- نمونه‌هایی از ثبت اعمال را در این دنیا بیان کنید.
- ۲- چرا ضبط تاریخ نمی‌تواند همواره صحیح و خالی از اشتباه باشد؟
- ۳- آیا امکان دارد در ثبت و ضبط اعمال انسان در پیشگاه خداوند اشتباهی رخ دهد؟ چرا؟
- ۴- بازده دقیق عمل را توضیح داده و چگونگی آن را در جهان دیگر شرح دهید.
- ۵- چرا باید حساب نیکوکاران و بدکاران از هم جدا باشد؟

سنجش اعمال

هنگام مرگ دنیا در مقابل چشم انسان درهم پیچیده می شود و جهان پس از مرگ در پیش رویش گشوده می گردد. دوران اختیار و عمل پایان می پذیرد و هنگام حساب و جزا فرامی رسد و انسان از دنیا به آخرت انتقال می یابد. اگر انسان به دنیا و ارزش ها و مقام های دنیوی دلبسته باشد، این گذر و انتقال برای او سخت و جانگداز خواهد بود و اگر به ارزش های الهی دلداده باشد این گذر برای او سراسر شور و شوق خواهد بود.

میزان در جهان پس از مرگ

میزان به معنای ترازو و وسیله سنجش است و روشن است که هر چیزی را با ترازو و میزان مخصوص به خودش می سنجیم. مثلاً برای تعیین وزن یک گوسواره کوچک از یک ترازوی ظریف و حساس استفاده می کنیم و برای سنجش وزن یک کامیون بزرگ پر از هندوانه یک باسکول بزرگ را به کار می بریم. برای سنجیدن مقدار حرارت بدن از میزان الحرارة و برای سنجش بلندی از متر سود می بریم. می بینید که میزان ها اشکال و انواع گوناگون دارند، میزان الحرارة با یک باسکول چقدر تفاوت دارد ولی با همه تفاوت ها به هر دو میزان و وسیله سنجش می گویند.

برای اینکه بهترین خط و یا بهترین نقاشی را در کلاس بسنجید چه میزانی به کار می برید؟

برای تشخیص اینکه چه کسانی از همه نیرومندترند «میزان» چیست؟

برای تشخیص شجاعت یک رزمنده چه میزانی به کار می برید؟

در این گونه موارد «میزان و ترازو» همان بهترین نمونه ای است که وجود دارد. مثلاً برای تشخیص و بررسی حسن و زیبایی یک نوشته، آن را با سرمشق و نوشته یک استاد خط می سنجند در اینجا «میزان» نوشته استاد است. برای تشخیص مقدار قدرت دانش آموزان یک کلاس بین آنان مسابقه برقرار می کنند و نیرومندترین فرد کلاس را «میزان» قرار می دهند. در حل یک مسئله حساب، معلم کار یک دانش آموز کوشا و منظم را که مسئله را کامل و درست حل کرده است «میزان» قرار می دهد و به

دانش آموزان می گوید: «به دفتر او بنگرید و کار خود را با او مقایسه کنید و بسنجید».

در روز رستاخیز برای بررسی و محاسبه اعمال بندگان، پروردگار متعال «میزان» معین می کند و به این وسیله اعمال آنان را وزن می کند تا انسان ها بر اثر وزن و ارزش اعمال خویش به کیفر و یا پاداش برسند. البته میزان در روز رستاخیز با این ترازوها و میزان های مادی که با آنها آشنا هستیم، تفاوت دارد؛ میزان رستاخیز آن نوع میزانی است که به وسیله آن می توان اخلاق و عقاید و افکار مردم را سنجید برای سنجش عقاید مختلف، «حق» میزان است و با مقایسه با «حق» می توان آنها را سنجید. برای سنجش اعمال انسان ها آنها را با اعمال برگزیدگان و شایستگان، مقایسه می کنند؛ «میزان»، اعمال و رفتار شایستگان است، هر مقدار عمل انسان به عمل آنان مشابهت بیشتری داشته باشد، سنگین تر و پرارزش تر خواهد بود. اعمالی که برای خدا و در راه رضای او انجام شود سنگین و پرارزش است و اعمالی که با غفلت و برای غیر خدا انجام گردد پوک و بی ارزش می باشد و هر چند ظاهری نیکو داشته باشد در جهان آخرت به حساب اعمال نیکو منظور نمی شود. بنابراین کسی به بهشت پروردگار می رسد که اعمالش وزین و سنگین باشد و کسی که اعمالش را وزنی نباشد این کارهایش موجب نجاتش نمی شود ناچار به جهنم می رود و در قعر آتش فرومی افتد.

روز رستاخیز هنگام سنجش عمل و آشکار شدن پنهانی هاست، پنهانیست که انسان کلیه اعمال و حرکاتش را به روشنی مشاهده خواهد کرد.

روز رستاخیز، روز حساب و میزان، روز حق و عدل و روز پاداش و کیفر است. روز جدایی کامل نیکوکاران از بدکاران و ستمکاران است. پس چه خوب است که خود را برای حضور در آن روز بزرگ آماده سازیم و اعمالی انجام دهیم که با مشاهده آنها در آن روز بزرگ و عظیم گرفتار و شرمنده نباشیم.

بیندیشید و پاسخ دهید.

۱- گذرگاه دنیا به آخرت برای چه کسانی سخت و جان گداز و برای چه کسانی شوق آفرین و پرشور خواهد بود.

۲- انواع میزان هایی که در درس شمرده شده است بگویید و بیان کنید که در روز رستاخیز «میزان» چیست؟

۳- سنگینی و یا پوکی و بی وزنی عمل در روز رستاخیز به چیست؟

۴- برای آنکه از شرمندگی و گرفتاری روز رستاخیز برهیم، چه اعمالی باید انجام دهیم؟